خبر

برگزاری آخرین شب مراسم شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) در زینبیه

شب گذشته آخرین شب از مراسم سوگواری و عزاداری شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها، در زینبیه در جوار مقتل قائد شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای برگزار شد. این مراسم که از سوی حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب برگزار گردید، با اقامه نماز مغرب و عشاء آغاز شد و تا پیش از ساعت برگزاری تجمعات شبانه اقشار مختلف مردم مبعوث ادامه داشت.

رئیس جمهور:

دولت در برخورد جدی با رویه‌های فسادزا مصمم است

رئیس‌جمهور در نشست بررسی داده‌ها و سازوکارهای هدفمندسازی طرح‌های حمایتی دولت، در تشریح ضرورت تشدید اقدامات مقابله‌ای با پولشویی، فرار مالیاتی و فساد اقتصادی، بر تمرکز ویژه به برخی مشاغل و حوزه‌های حساس، ازجمله بخش پزشکی، حقوقی و گمرکی و نیز مدیران دولتی تأکید کرد و گفت: باید نقاط حساس و گلوگاه‌های مستعد فساد را به‌صورت ویژه و جداگانه شناسایی و با سرعت و جدیت بیشتری مورد رسیدگی قرار دهیم. افرادی که برای تضییع حقوق دیگران در پرونده‌ها پول دریافت می‌کنند، کسانی که از بیماران و افراد گرفتار بیماری مبالغ هنگفت و زیرمیزی می‌گیرند و افرادی که در قبال دریافت پول، چشم خود را بر تخلفات می‌بندند، باید شناسایی شوند. اگر از مرحله شناسایی به مرحله برخورد و مقابله مؤثر و بازدارنده برسیم، می‌توان از شکل‌گیری بخش قابل‌توجهی از فسادها، رشوه‌ها و تخلفات جلوگیری کرد و ریشه بسیاری از این ناهنجاری‌ها را از بین برد.

دکتر پزشکیان با اشاره به این‌که بخش مهمی از نارضایتی‌ها و گلایه‌مندی‌های مردم ناشی از همین‌گونه تخلفات و مفاسد است، تأکید کرد: دولت در برخورد جدی، قاطع و بدون اغماض با این رویه‌های نادرست و فسادزا مصمم است و باید با اقدامات مؤثر، زمینه تداوم این رفتارها را از بین ببرد و ریشه آنها را بخشکاند.

یادداشت

سیدنظام‌الدین موسوی | سخنگوی دیوان محاسبات کشور

ضرورت پرهیز از تنش‌های غیرضروری اقتصادی

پس از حمله رژیم صهیونیستی و آمریکا به ایران و جنگ تحمیلی ۴۰ روزه، دشمن به این تصور رسیده بود که مردم ایران به‌سرعت از نظام اسلامی فاصله می‌گیرند و زمینه برای تجزیه کشور و غارت منابع آن فراهم می‌شود؛ اما مقاومت و ایستادگی کم‌نظیر مردم و رزمندگان این محاسبات را برهم زد و دشمن ناچار به توقف حملات نظامی شد.

بااین‌حال، توقف حملات نظامی به معنای پایان خصومت آمریکا و رژیم صهیونیستی نیست. آنها پس از جنگ، تلاش خود را بر ادامه تحریم‌ها و محاصره اقتصادی متمرکز کرده‌اند تا با افزایش فشار بر زندگی مردم، تاب‌آوری جامعه را کاهش دهند و از درون به کشور آسیب بزنند. در این مدت، اقداماتی ازجمله محاصره دریایی و هوایی و حتی تلاش برای محاصره زمینی در دستور کار آنها قرار گرفته است. در چنین شرایطی، راه مقابله با راهبرد دشمن، طراحی و اتخاذ تدابیر مناسب در حوزه اقتصاد است. دشمن می‌کوشد بخش‌هایی از اقتصاد را که با طیف گسترده‌تری از مردم ارتباط مستقیم دارند، تحت تأثیر قرار دهد و از این طریق کشور را با مشکل مواجه کند. بنابراین، دولت باید تا حد امکان از ایجاد تنش‌های غیرضروری اقتصادی خودداری کند. در وهله اول باید به یاد داشت که تأکید بر محاصره دشمن نوعی پذیرش عملیات روانی دشمن است، چراکه ایران اسلامی با ۱۵ کشور همسایه و نظر به همبستگی اقتصادی موجود در منطقه و جهان محاصره‌ناپذیر است و کشورهای همسایه قطعا با مشاهده وضعیت داخلی خود و همچنین وضعیت بی‌ثبات آمریکا تن به توصیه‌های تنش‌آفرین دولت وی نخواهند داد. بنابراین باتوجه به چنین جغرافیایی با اتخاذ تدابیر مناسب متناسب با رویه مقاومت و جهاد اقتصادی مبتنی بر ایجاد مسیرهای ارتباطی جدید در مرزهای کشور و تسهیل مبادلات گمرکی نه‌فقط منجر به عبور از این شرایط کشور خواهد شد، بلکه بسیاری از ظرفیت‌های استان‌های مرزنشین ما را متحول و شکوفا خواهد کرد و قطعا به آرامش و ثبات اقتصادی بیشتر در این مناطق خواهد انجامید. مسأله بنزین و رشد مصرف آن نیز از گذشته محل بحث بوده است؛ اما بسیاری از کارشناسان و افراد دلسوز تأکید دارند که برای کنترل مصرف بنزین ضرورتی ندارد حتما با قیمت‌ها بازی کنیم. می‌توان با اتخاذ تدابیر مناسب غیرقیمتی مصرف را مدیریت کرد و مانع از افزایش بی‌رویه آن شد، بی‌آن‌که شوک قیمتی به مردم وارد شود.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

گزارش سیاسی گروسی علیه برنامه هسته‌ای ایران و نشست شورای امنیت درباره تنگه هرمز نشان از یک بازی سیاسی علیه کشورمان دارد

نه به جاسوسی آژانس



عبدالرضا هادی‌زاده نائینی
دبیرگروه سیاسی

در شرایطی که پیامدهای جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران همچنان بر امنیت منطقه و مناسبات بین‌المللی سایه انداخته است، شورای امنیت سازمان ملل متحد روز جمعه ۱۳ نوامبر (۲۲ آبان) به درخواست بحرین نشستی را درباره وضعیت امنیت دریایی در خلیج‌فارس و تنگه هرمز برگزار کرد. همزمان، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز گزارش محرمانه جدیدی درباره وضعیت برنامه هسته‌ای ایران منتشر کرد که در آن، از محدودیت دسترسی بازرسان به تأسیسات هسته‌ای و ناتوانی آژانس در راستی‌آزمایی وضعیت ذخایر اورانیوم ایران ابراز نگرانی شده است. به نظر می‌رسد این بازی سیاسی در خدمت تلاش برای حضور جاسوسان در پوشش بازرسان آژانس در ایران طراحی شده است.

این دو اقدام ضدایرانی در شرایطی رخ داده‌اند که منطقه از ۹ اسفند ۱۴۰۴، در پی جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل به ایران، وارد مرحله‌ای از درگیری و بی‌ثباتی گسترده شده است؛ وضعیتی که آثار آن به امنیت دریانوردی، تجارت جهانی، بازار انرژی و همکاری‌های هسته‌ای نیز سرایت کرده است.

نکته محوری در بررسی این تحولات آن است که پیش از آغاز جنگ، تنگه هرمز مسیر اصلی و فعال کشتیرانی بین‌المللی بود و همکاری‌های نظارتی هسته‌ای ایران و آژانس نیز در چارچوب ترتیبات موجود جریان داشت. اما حملات نظامی، گسترش درگیری‌ها، اقدامات متقابل نظامی، محاصره دریایی بنادر ایران و تهدیدهای مستمر علیه زیرساخت‌های کشور، شرایطی متفاوت ایجاد کرده است.

اکنون واشنگتن و متحدانش در حالی از ایران درباره وضعیت امنیت تنگه هرمز و سطح همکاری با آژانس مطالبه‌گری می‌کنند که نقش جنگ تحمیلی خود را در شکل‌گیری شرایط کنونی نادیده می‌گیرند.

عاملان تشدید بحران، خواستار پاسخگویی ایران شدند

نشست شورای امنیت به درخواست بحرین و با حضور نمایندگان کشورهای عضو برگزار شد. محور اصلی این نشست، بررسی وضعیت امنیت دریایی در خلیج‌فارس، تنگه هرمز و باب‌المندب بود.

خالد خیاری، معاون دبیرکل سازمان ملل، در گزارش خود نسبت به افزایش حوادث دریایی اعلام کرد که تاکنون، سازمان بین‌المللی دریانوردی ۱۳۴ حادثه تأییدشده در تنگه هرمز و محدوده گسترده‌تر دریایی خاورمیانه ثبت کرده و ۲۵ دریانورد جان خود را از دست داده‌اند.

او همچنین تأکید کرد که تعداد حوادث علیه کشتی‌های تجاری در ماه اکتبر به بالاترین سطح رسیده است. خیاری با اشاره به این‌که بسیاری از کشتی‌ها و خدمه آنها ماه‌ها در خلیج‌فارس گرفتار شده‌اند، گفت حجم حمل‌ونقل دریایی هنوز به سطح پیش از جنگ بازنگشته است. او تصریح کرد که ازسرگیری خصومت‌ها می‌تواند پیامدهای ویرانگری برای ایران، منطقه و فراتر از آن داشته باشد و دیپلماسی، مصالحه و اراده سیاسی را تنها مسیر دستیابی به صلح پایدار دانست.

تمرکز بر پیامدهای بحران، بدون توجه به ریشه‌ها

نماینده بحرین در این نشست تقلا کرد مسئولیت اصلی ناامنی منطقه را متوجه ایران کند.

او مدعی شد کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس و اردن با بیش از ۷۰۰۰ حمله موشکی و پهپادی مواجه شده‌اند و حدود ۱۶۰۰ کشتی در تنگه هرمز با اختلال در تردد مواجه بوده‌اند؛ همچنین بیش از ۲۳ هزار دریانورد در کشتی‌های گرفتار مانده‌اند.

بحرین خواستار اجرای کامل قطعنامه ۲۸۱۷ شورای امنیت و ایجاد چارچوبی جمعی برای حفاظت از کشتیرانی شد.

نماینده آمریکا نیز با تأکید بر محکومیت حملات منتسب به ایران، خواستار بازگشت آزادی کشتیرانی و اجرای قطعنامه ۲۸۱۷ شد. واشنگتن تلاش کرد مسأله امنیت تنگه هرمز را در چارچوب مسئولیت ایران و ضرورت مقابله با اقدامات آن صورت‌بندی کند.

بااین‌حال، در این روایت یک پرسش اساسی مغفول ماند: اگر پیش از ۹ اسفند سال گذشته تنگه هرمز مسیر عادی تجارت و انتقال انرژی بود، چه عاملی منطقه را وارد وضعیت جنگی کرد؟

حمله آمریکا و اسرائیل به ایران، آغاز مرحله جدیدی از درگیری‌ها بود. پس از آن، ایران به اهداف و دارایی‌های نظامی آمریکا در منطقه حمله کرد و محدودیت‌های گسترده‌ای بر عبور و مرور دریایی ایجاد شد. در ادامه نیز محاصره دریایی بنادر ایران از سوی آمریکا و اقدامات متقابل طرف‌ها به تشدید بحران کمک کرد. بنابراین، بررسی امنیت تنگه هرمز بدون پرداختن به توالی این وقایع، تصویری ناقص از بحران ارائه می‌کند.

نمی‌توان جنگ و محاصره را نادیده گرفت

نماینده جمهوری اسلامی ایران در سخنان خود، آمریکا را آغازگر اصلی بحران معرفی کرد و گفت برخی اعضای شورای امنیت در تلاشند با تحریف واقعیت‌ها، نقش قربانی و متجاوز را جابه‌جا کنند.

او در بخشی از سخنانش با طرح این پرسش که چگونه آمریکا می‌تواند دست به بمباران ایران بزند، حاکمیت آن را نقض کند، زیرساخت‌هایش را هدف قرار دهد و سپس انتظار داشته باشد تنگه هرمز به وضعیت عادی بازگردد، تأکید کرد که امنیت پایدار در خلیج‌فارس بدون توقف تجاوز و رفع اقدامات غیرقانونی علیه ایران امکان‌پذیر نیست.

ایران همچنین تأکید کرد که امنیت منطقه باید به دست کشورهای منطقه و بدون مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای تأمین شود.

در پاسخ به بحرین نیز نماینده ایران گفت کشورهای منطقه، ازجمله بحرین، با فراهم کردن امکانات برای حملات آمریکا به ایران، در این تجاوز نقش داشته‌اند و باید در برابر اقدامات خود پاسخگو باشند.

همچنین نماینده چین در شورای امنیت، یکی از صریح‌ترین مواضع را درباره ضرورت پایان دادن به جنگ مطرح کرد.

او با ابراز نگرانی از اظهارات مربوط به احتمال ازسرگیری حملات نظامی علیه ایران، گفت: هیچ برنده‌ای در جنگ و درگیری وجود ندارد.

نماینده چین خواستار آتش‌بس فوری، توقف استفاده غیرقانونی از زور و پایان اقدامات نظامی یکجانبه شد و تأکید کرد که درگیری میان آمریکا، اسرائیل و ایران نباید ادامه پیدا کند.

بازی سیاسی گروسی در آژانس

در سوی دیگر، گزارش محرمانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که روز جمعه در اختیار کشورهای عضو قرار گرفت، بار دیگر نشان داد پرونده هسته‌ای ایران برای غربی‌ها یک دستاویز سیاسی است.

در این گزارش، آژانس از عدم دسترسی بازرسان به تأسیسات غنی‌سازی اصفهان و ناتوانی در راستی‌آزمایی وضعیت ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران ابراز نگرانی کرده است. آژانس درباره تأسیسات غنی‌سازی اصفهان اعلام کرده است: آژانس از مکان دقیق، وضعیت پادمانی این تأسیسات یا وجود مواد هسته‌ای در آن اطلاع ندارد.

همچنین این نهاد درباره نبود اطلاعات و دسترسی لازم برای راستی‌آزمایی مواد هسته‌ای ابراز نگرانی جدی کرده و خواستار حل فوری این مسأله شده است.

بااین حال، نکته‌ای که در تحلیل این گزارش اهمیت اساسی دارد و آژانس عمدا به آن اشاره نمی‌کند زمان‌بندی وقایع است.

آژانس قرار بود در ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ از تأسیسات غنی‌سازی اصفهان بازرسی کند، اما همان روز حملات نظامی آمریکا و اسرائیل آغاز شد و امکان انجام بازرسی از بین رفت. پس از حملات نیز دسترسی بازرسان به تأسیسات آسیب‌دیده با محدودیت شرایط جنگی مواجه شد. بنابراین، نمی‌توان شرایط کنونی نظارت هسته‌ای را بدون توجه به حملات نظامی علیه تأسیسات ایران بررسی کرد.

علاوه بر این آمریکا تلاش دارد تا اهداف خود در خصوص دستیابی اطلاعات به اورانیوم‌های غنی‌شده ایران و آخرین وضعیت سایت‌های هسته‌ای کشورمان را در پوشش بازرسان آژانس به دست آورد. این مسأله البته همواره با پاسخ قطعی و منفی ایران روبه‌رو شده است. ایران نه تنها در شرایط جنگی و بدون پیش‌بینی پروتکل‌های لازم برای بازرسی از سایت‌های آسیب‌دیده به این نهاد غیرفنی و بدنام اجازه شیطنت نخواهد داد که حتی اکنون در محافل نخبگانی و سیاسی گوناگون بر روی تجدید نظر در رابطه با آژانس، خروج از NPT و حتی تغییر دکترین هسته‌ای کشور است.

یادداشت

محسن پاک‌آیین | دیپلمات پیشین

تداوم بازدارندگی با اورانیوم غنی‌شده و حاکمیت بر هرمز

سرلشکر رضایی اخیرا تأکید کرد که حتی یک گرم از اورانیوم غنی‌شده را از کشور خارج نخواهیم کرد. موضع اصولی کشور ما نیز همواره همین بوده و از زبان امام شهیدمان هم بر این مساله تأکید شده است. اهمیت پافشاری بر این موضع در این نکته بنیادی نهفته است که اورانیوم غنی‌شده عاملی است که ارتباط مستقیمی با میزان بازدارندگی ایران دارد. اساسا چرا باید به دنبال تغییر دکترین و افزایش توان بازدارندگی دفاعی کشور باشیم؟ بدون برخورداری از اورانیوم غنی‌شده نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم.

هدف آمریکایی‌ها این است که توان بازدارندگی ما افزایش پیدا نکند. در واقع، چنانچه اورانیوم غنی‌شده را از ایران خارج کنیم و دست‌مان از این بابت خالی شود، احتمال این‌که آمریکایی‌ها و رژیم صهیونیستی حتی از طریق استفاده از سلاح هسته‌ای علیه ایران اقدام کنند، افزایش پیدا می‌کند. بنابراین، وجود اورانیوم غنی‌شده در ایران برای ما نوعی بازدارندگی دفاعی ایجاد می‌کند و در صورتی که نیاز داشته باشیم دکترین دفاعی خود را تغییر دهیم، ضرورت دارد این مواد را از کشور خارج نکنیم.

همچنین اورانیوم غنی‌شده، کاربردهای زیادی در حوزه‌های غیرنظامی و صلح‌آمیز برای ایران دارد؛ ازجمله سوخت زیردریایی‌ها، کشتی‌ها و ناوها و همچنین کاربردهای دیگر در حوزه‌های صنعتی و دفاعی. بنابراین، وجود اورانیوم غنی‌شده در ایران ضروری است و به همین دلیل معتقدیم نباید اجازه دهیم این مواد از کشور خارج شوند. در کنار این عنصر بنیادی مقامات کشورمان، از جمله دبیر شورای عالی امنیت ملی، روز گذشته نیز در اظهارات خود تأکید کردند تا زمانی که شروط ایران اجرایی نشود، تنگه هرمز باز نخواهد شد. این موضع کاملا اصولی است. تنگه هرمز در تمامیت ارضی ایران قرار دارد و ما حق داریم حاکمیت ملی خود را در آن اعمال کنیم و مکمل بحث بازدارندگی ما محسوب می‌شود. تمام تلاش آمریکا بر این است تا عبور و مرور از این تنگه مانند قبل از تجاوز آمریکا به ایران آزاد باشد و کشورهای مختلف، از جمله آمریکا، بتوانند به‌راحتی از این مسیر استفاده کنند.

درحالی که امروز به‌خوبی متوجه شده‌ایم استفاده از این تنگه برای تجهیز پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه بوده و در عین حال، کمک زیادی به اقتصاد آمریکا می‌کرده است. آمریکایی‌ها با اتکا به این توان اقتصادی و پایگاه‌های نظامی خود به دنبال آن بودند که تجاوزات‌شان علیه ایران را سازمان‌دهی کنند.

قطعا اجازه نخواهیم داد اقلام نظامی و تجهیزات مورد نیاز پایگاه‌های نظامی آمریکا از این مسیر و از طریق تنگه هرمز وارد شوند. همچنین اجازه نخواهیم داد آمریکا بتواند از این تنگه درآمدزایی کند، مگر این‌که شروط ما پذیرفته شود و بتوانیم حاکمیت ملی خود را اعمال کنیم. در نهایت، باید به دنبال ایجاد سامانه‌ای باشیم تا در چارچوب اصل عبور بی‌ضرر کشتی‌ها اطمینان پیدا کنیم عبور و مرور از این تنگه آسیبی به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران وارد نمی‌کند.

یادداشت

دکتر جعفر صادق منش | عضو هیات علمی دانشگاه

غزه؛ از فاجعه انسانی تا مسئولیت کیفری بین‌المللی

بارندگی‌های شدید، سیلاب و طوفان در نوار غزه، در شرایطی که بخش بزرگی از جمعیت غیرنظامی در چادرها، سرپناه‌های موقت و ساختمان‌های آسیب‌دیده زندگی می‌کنند، به بحرانی انسانی با ابعاد گسترده تبدیل شده است. تخریب یا آسیب‌دیدن سرپناه‌ها، آب‌گرفتگی محل اسکان، از بین رفتن وسایل اولیه زندگی و دشواری دسترسی به خدمات درمانی و بهداشتی، به‌ویژه کودکان، زنان و سالمندان را در معرض خطرهای جدی قرار داده است. تحلیل حقوقی این وضعیت نباید به توصیف آثار بارندگی و حوادث طبیعی محدود بماند. پرسش اساسی آن است که آیا محروم‌سازی مستمر جمعیت غیرنظامی از سرپناه مناسب، تخریب زیرساخت‌های حیاتی، جلوگیری یا ایجاد مانع در ورود تجهیزات و اقلام ضروری و رهاکردن آوارگان در برابر پیامدهای قابل پیش‌بینی شرایط جوی، در صورت احراز عناصر قانونی و معنوی لازم، می‌تواند واجد وصف جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت یا نسل‌کشی باشد؟ فرض اصلی این یادداشت آن است که بارندگی، سیلاب و طوفان، به‌خودی‌خود رفتار مجرمانه محسوب نمی‌شوند اما هنگامی که رفتارهای انسانی، جمعیت غیرنظامی را عمدا از امکانات ضروری بقا و سرپناه محروم می‌کند یا آسیب‌پذیری آنان را در برابر خطرهای طبیعی به‌طور جدی افزایش می‌دهد، آثار این حوادث می‌تواند در ارزیابی شرایط تحمیل‌شده، رابطه سببیت و احراز عناصر جرائم بین‌المللی اهمیت پیدا کند.

وضعیت انسانی و ابعاد محرومیت از سرپناه

گزارش‌های نهادهای سازمان ملل در نوامبر ۲۰۲۶، ابعاد آسیب‌پذیری جمعیت آواره غزه در برابر بارندگی‌های شدید را نشان می‌دهد. براساس گزارش دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد (OCHA) درباره بارندگی‌های شدید در نوار غزه، منتشرشده در ۹ نوامبر ۲۰۲۶، بارندگی و باد شدید از شامگاه ۶ نوامبر موجب خسارت گسترده به سرپناه‌ها و اموال خانوارهای آواره شد. در این گزارش، از ثبت درخواست کمک از سوی بیش از ۲۶ هزار خانوار، تخریب بیش از ۶۰۰۰ سرپناه و آسیب‌دیدن حدود ۱۷ هزار و ۴۰۰ سرپناه دیگر سخن گفته شده است. همچنین در برخی مناطق، ارتفاع آب‌گرفتگی به حدود یک‌ونیم متر رسیده و هزاران خانوار با فقدان سرپناه مواجه شده‌اند. OCHA در عین حال تصریح کرده است که برخی آمارهای اولیه، ازجمله اطلاعات دریافتی از منابع محلی، هنوز نیازمند راستی‌آزمایی است.[۱] یونیسف نیز در گزارش ۹ نوامبر ۲۰۲۶، از جان باختن سه کودک چهار، پنج و هشت‌ساله و مادرشان در پی ریزش تپه شنی بر چادر محل سکونت آنان در دیرالبلح خبر داده است. این نهاد همچنین از قرارگرفتن شمار زیادی از آوارگان در معرض خطر سیلاب، فقدان سرپناه مناسب، اختلال در تأسیسات فاضلاب و محدودیت امکانات پمپاژ و تخلیه آب سخن گفته است.[۲] این داده‌ها، در کنار گزارش‌های مربوط به کمبود تجهیزات، سوخت و امکانات امدادی، نشان می‌دهد که آثار بارندگی صرفا محصول یک پدیده طبیعی نیست؛ بلکه میزان خسارت انسانی به‌شدت از وضعیت پیشین زیرساخت‌ها و امکانات در دسترس جمعیت متأثر است. از این‌رو، باید میان «عامل طبیعی» و «شرایط انسانی تشدیدکننده آثار آن» تمایز گذاشت. بارندگی ممکن است علت طبیعی آب‌گرفتگی باشد اما فقدان سرپناه مقاوم، تخریب شبکه‌های دفع آب، کمبود پمپ و ماشین‌آلات، محرومیت از سوخت و ممانعت از دسترسی به اقلام ضروری، عواملی انسانی هستند که می‌توانند پیامدهای آن را به‌طور چشمگیری تشدید کنند.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

یادداشت

سیدرضا صدرالحسینی | تحلیلگر مسائل غرب آسیا

بی‌نیازی ترامپ از توافق با ایران!

اظهارات اخیر دونالد ترامپ مبنی بر این‌که کشورهای عربی منطقه از او خواسته‌اند جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران را برای مدتی به تأخیر بیندازد، در شرایطی مطرح می‌شود که آمریکا پس از شکست در دو جنگ اخیر، با فشارهای قابل‌توجهی در عرصه‌های مختلف مواجه شده است. افزایش فشارهای اقتصادی ناشی از بسته شدن تنگه هرمز، بروز مشکلات در حوزه انرژی و همچنین شکست و عدم موفقیت حزب جمهوریخواه و متحدان سیاسی ترامپ، مجموعه‌ای از چالش‌ها را پیش روی دولت آمریکا قرار داده است.

اگرچه جمهوری اسلامی ایران از هرگونه رویکرد کشورهای عربی برای جلوگیری از جنگ استقبال می‌کند و علاقه‌مند بود که این موضع پیش از جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه نیز از سوی کشورهای منطقه اتخاذ می‌شد اما واقعیت این است که به تأخیر افتادن جنگ احتمالی علیه ایران را نمی‌توان صرفا به‌درخواست کشورهای عربی نسبت داد.

آنچه در شرایط کنونی بیش از هر عامل دیگری مانع از اقدام نظامی مجدد آمریکا علیه جمهوری اسلامی شده، بازدارندگی قابل‌توجه ایران در حوزه نظامی و ظرفیت تاب‌آوری کشور در برابر حملات نظامی است. جمهوری اسلامی ایران در جریان رویارویی‌های اخیر نشان داده که از توان لازم برای مقابله با تهدیدهای نظامی برخوردار بوده و همین مسأله محاسبات طرف مقابل را تحت تأثیر قرار داده است.

از سوی دیگر، با توجه به سابقه رویکردهای ترامپ در عملیات روانی و باج‌خواهی از کشورهای عربی، به نظر می‌رسد طرح ادعای درخواست این کشورها برای به‌تأخیر انداختن جنگ، می‌تواند در راستای تلاش او برای دریافت امتیازات و باج جدید از دولت‌های عربی منطقه باشد. به‌سختی می‌توان پذیرفت که نفوذ کشورهای عربی بر تصمیمات ترامپ تا این اندازه گسترده باشد که بتوانند به‌تنهایی مسیر تصمیم‌گیری او درباره جنگ با ایران را تغییر دهند.

البته مخالفت یا دست‌کم نگرانی کشورهای عربی از وقوع جنگ جدید با ایران نیز قابل‌توجه است. این کشورها در جریان جنگ اخیر شاهد وارد آمدن ضربات به پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه بودند و همزمان با پیامدهای اقتصادی ناشی از محدودیت صادرات نفت و گاز مواجه شدند. این تجربه برای آنها روشن کرد که در صورت وقوع جنگ احتمالی جدید و همراهی دوباره با اقدامات نظامی آمریکا علیه ایران، ممکن است بار دیگر خسارت‌های قابل‌توجهی متحمل شوند. در چنین شرایطی، اظهارات اخیر ترامپ درباره این‌که به توافق با ایران نیازی ندارد نیز باید در چارچوب فشارهای سیاسی و رسانه‌ای داخلی آمریکا مورد توجه قرار گیرد.

شکست ترامپ و حزب جمهوریخواه در عرصه سیاسی و افزایش انتقادهای افکار عمومی و رسانه‌ها از عملکرد دولت آمریکا در جنگ با ایران، شرایطی ایجاد کرده و ترامپ برای کاهش فشارهای داخلی به موضع‌گیری‌های جدیدی روی آورده است. باتوجه به این‌که جنگ با ایران به یکی از مهم‌ترین محورهای انتقاد از عملکرد حزب جمهوریخواه تبدیل شده، به نظر می‌رسد ترامپ با اعلام بی‌نیازی از توافق و مذاکره با ایران، تلاش می‌کند خود را از زیر بار این فشارها خارج کند.

درواقع، او با چنین اظهاراتی وانمود می‌کند که نه جنگ با ایران برایش اهمیت تعیین‌کننده‌ای دارد و نه موضوع مذاکرات و توافق با جمهوری اسلامی در محاسبات سیاسی و اقتصادی آمریکا جایگاهی اساسی دارد.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید